

فرازهایی از

وصیتنامه

# الهی - اخلاقی

مرجع عالیقدر و فقیه اهل بیت علیهم السلام

بزرگ فرهنگبان میراث اسلامی

حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی

قدس سره الشریف

به ضمیمه گزارش تشرّف معظم له به محضر

حضرت سیدالشهدا و حضرت ولی عصر (عج)



فرازهایی از وصیتنامه الهی اخلاقی  
مرحوم آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته

ناشر: کتابخانه معظم له - «قم»

تاریخ نشر: ۱۳۸۱ ش / ۱۴۲۳ ق / ۲۰۰۳ م

تیراژ: ۷۰۰۰۰

نوبت چاپ: یازدهم، ویرایش چهارم

حروفزنی: قرآنتشر ۷۷۳۵۷۱۲

لیتوگرافی: تیزهوش

چاپ: ستاره قم

شابک: ۹-۴۸-۶۱۲۱-۹۶۴

اهدایی

[www.marashilibrary.com...or net or org](http://www.marashilibrary.com...or net or org)

E-mail: [sm-marashi@marashilibrary.org](mailto:sm-marashi@marashilibrary.org)





## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### پیشگفتار

مرجع عالیقدر و فقیه اهل بیت علیهم السلام حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله در روز بیستم صفر ۱۳۱۵ در نجف اشرف در خانواده علم و تقوا پا به عرصه وجود نهاد، و سرانجام در ۷ صفر سال ۱۴۱۱/۷ شهریور ۱۳۶۹ در شهرستان قم، چهره در نقاب خاک کشید و جهان را عموماً و حوزه‌های علمیه و مسلمانان - به ویژه شیعیان و هموطنان - را خصوصاً به سوگ نشاند که تحمل آن باری بس سنگین و طاقت فرساست.

آن بزرگ‌مرد، یکی از اسطوانه‌های علمی و دانشمندان جهان اسلام است که در بیشتر علوم اسلامی متبحر و صاحب نظر بود. تدریس بنییش از شصت و هشت سال در حوزه علمیه قم و نیز قبل از آن در نجف اشرف و تربیت هزاران شاگرد که هریک خود در زمره بزرگان اسلام بوده و می‌باشند، بخشی از خدمات آن عالم فرزانه به حساب می‌آید.

بنیاد صدها مدرسه علمی و هزاران مسجد، حسینیه، کتابخانه و مراکز فرهنگی، رفاهی و درمانی در قم و شهرستانهای داخل و خارج کشور، و نیز احیا و اشاعه آثار دانشمندان متقدم اسلامی، همچنین تألیف و تصنیف بیش از صد اثر در علوم مختلف اسلامی به ویژه فقه، اصول، کلام، تفسیر، رجال، درایه، انساب و ادبیات، از دیگر خدمات ایشان می باشد.

دریافت بیش از چهارصد اجازه روایتی<sup>۱</sup> از علمای بزرگ شیعه و اهل سنت و زیدیه خود گواه بر جامعیت آن بزرگ مرد در علوم اسلامی است که در یکی - دو سده اخیر چنین جامعیتی را در دیگران کمتر یافته ایم.

علاقه و صف ناپذیر آن مرحوم به مطالعه و جمع آوری آثار گذشتگان به منظور حفظ و حراست و جلوگیری از تاراج آنها، ایشان را بر آن داشت تا بنیاد کتابخانه بی نظیری را پی ریزی نماید. از روزگاری که در نجف اشرف به تحصیل و تدریس اشتغال داشته اند، پیوسته در جمع آوری کتابهای نفیس خطی از هر فرصتی استفاده نموده و با انجام روزه و نماز استیجاری، کار شبانه در کارگاه برنج کوبی و حذف یک وعده غذا در

۱. این اجازه ها که تعدادی از آنها اجتهاد و بقیه روایتی است، به همت فرزند ارشد و وصی ایشان جناب حجت الاسلام والمسلمین حاج سید محمود مرعشی نجفی - متولی و رئیس محترم کتابخانه - جمع آوری و در دو جلد بزرگ چاپ و منتشر شده است.

بیست و چهار ساعت، وجوه به دست آمده را صرف خرید کتاب می‌کرد و همه آنها هم اکنون در گنجینه کتابخانه بزرگ معظم‌له مورد استفاده محققان می‌باشد.

در نتیجه تلاش مستمر ایشان در همین راستا، اکنون شاهد کتابخانه عظیمی هستیم که در ورای بخشها و واحدهای مختلف آن، تا به امروز دربرگیرنده صدها هزار مجلد کتاب چاپی، عکسی، میکروفیلم و بیش از ۳۲ هزار مجلد کتاب خطی نفیس منحصر به فرد که بیش از شصت هزار عنوان می‌باشد و غالباً به خطوط مبارک دانشمندان بزرگ و مشهور اسلامی و از ذخایر فرهنگی - مذهبی کشور ما به شمار می‌آید و در حال حاضر از لحاظ شمول نسخه‌های خطی نفیس، نخستین کتابخانه کشور، سومین کتابخانه جهان اسلام و یکی از بزرگترین و مشهورترین کتابخانه‌ها در جهان به شمار می‌آید. در بخشی از این وصیتنامه، شخصاً ضرورت ایجاد چنین کتابخانه‌ای را مرقوم فرموده‌اند که وظیفه یکایک ما را در اهمیت بخشیدن و توجه بیشتر به آن، گوشزد می‌نماید.

در خاتمه ذکر این نکته را لازم می‌دانند؛ نظر به گستردگی ابعاد شخصیت آن بزرگوار، هیچ‌گاه قادر نخواهیم بود که زندگینامه ایشان را آن‌گونه که در شأن معظم‌له است، جمع‌آوری و در اختیار همگان قرار دهیم؛ اما بنابر وظیفه‌ای که دوستان و علاقه‌مندان بر عهده ما نهاده‌اند، بحمدالله در زمینه زندگینامه ایشان، کتابهای شهاب شریعت، برستیغ نور، کرامات مرعشیه

و تشریفات مرعشیه و دهها مقاله در نشریات و کتابهای ادواری خارجی و داخلی، با همکاری دوستان چاپ و منتشر گردیده است. ضمناً دو تشرّف معظمّ له به حضور حضرت سیدالشهدا علیه السلام و ولی عصر (عج) و شجره نامه خانوادگی ایشان و نیز در مورد «همای رحمت» از اشعار مرحوم شهریار، در آخر این مجموعه آمده است.

روابط عمومی کتابخانه بزرگ

حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) - قم

«گنجینه جهانی منخطوط اسلامی»



به رهروان حق و عدالت  
به پیروان راستین خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام  
به شیعیان و شیفتگان اهل بیت علیهم السلام  
به خادمان علوم آل محمد علیهم السلام  
به مظلومان تاریخ

ارمغان است



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به دنبال مراجعات بی‌شمار برادران، خواهران، دوستان، علاقه‌مندان و هموطنان داخل کشور و نیز مکاتبات تعدادی از دوستان و مؤمنین خارج کشور در باره انتشار وصیتنامه الهی - اخلاقی<sup>۱</sup> مرحوم مغفور، مرجع عالیقدر شیعه، فقیه اهل بیت عصمت و طهارت علیه السلام حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله چون تاکنون به علت تألمات شدید روحی ناشی از رحلت ایشان این مهم به عهده تأخیر سپرده شد، اینک بر آن شدیم تا فرازهایی از وصایای ایشان را از مجموع سه وصیتنامه معظم له که در تاریخهای ۲۴ شوال ۱۳۸۶؛ ۲۰ ربیع الثانی ۱۳۹۸<sup>۲</sup> و سلخ رمضان ۱۴۰۹ مرقوم داشته‌اند، انتخاب و در

---

۱. تعریف وصیت را می‌توان در این مطلب خلاصه نمود: «انشای امری که اثر آن معلق به موت است».

در اسلام در خصوص وصیت تأکید زیادی شده، به ویژه در قرآن کریم، در مورد وصیت آمده است: «كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ» (سوره بقره، آیه ۱۸۰).

۲. این وصیتنامه به عربی نوشته شده و فرازهایی از آن به فارسی ترجمه و در این مجموعه آمده است.

این مجموعه گردآوری و تقدیم علاقه‌مندان نماییم.  
 مطالعه عمیق این وصایا که هر بند از آن سرمشق زندگی  
 و راه‌گشای مشکلات هریک از پیروان راستین مذهب اهل  
 بیت علیهم‌السلام است، به همگان توصیه می‌شود، چون آن بزرگ‌مرد  
 بی‌وسه خود را فانی در دوستی و محبت و خادم علوم آنان  
 می‌پنداشت، با مطالعه و الگو قرار دادن آن، هرچه بیشتر خود  
 را در مسیر آن بزرگواران قرار دهند.

امید است خداوند بزرگ عموم ما، به‌ویژه شیعیان  
 شیفتگان آن خاندان مظلوم را در روز جزا از شفاعتشان  
 محروم نساخته و آن مرجع بزرگوار را غریق رحمت واسعة  
 خود قرار دهد.

قم - سید محمود مرعشی نجفی

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله الباقي بعد فناء الموجودات، ووارث الكائنات،  
والصَّلوة والسلام على سيد الأنبياء و مقدم السِّفراء، سيدنا  
أبي القاسم محمد بن عبدالله ﷺ، و على سُنْفِ النجاة والمشاكي  
في الهلكات، صلوة دائمة مستمرة، و بعد: چنین گوید خادم  
علوم أهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام پناهنده و معتكف آستان  
مقدس آن بزرگواران و امیدوار به شفاعت آنان، أبوالمعالی  
شهاب الدین الحسینی المرعشی النجفی که این چند صفحه را در  
حال صحّت نفس و بدن، و سلامت عقل، بدون اکراه و اجبار،  
به عنوان وصیّت ذیلاً به قلم تحریر در می آورم:

\* حقیر معتقد به عقائد حقه شیعه اثنی عشریه و آنچه  
نسب اکرم ﷺ و ائمه طاهرین علیهم السلام فرموده اند می باشم و از  
خداوند متّان مسئلت می نمایم با همین عقیده پاک و موالات  
و حبّ آل رسول ﷺ از دنیا بروم.

\* وصیّت خود را قرار دادم فرزند ارشد ذکورم جناب  
حجت الاسلام آقای حاج سید محمود مرعشی که دقیقاً به  
مواردی که ذکر می گردد بایستی عمل نماید:

\* سفارش می کنم او را که دامن همّت به کمر زده، و با

اراده تمام و آهنین آماده ترویج دین حنیف و دفاع از مذهب حقه اثنی عشری باشد، چه این مذهب غریب است و با فریاد بلند آوا سر می دهد:

هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُنِي، هَلْ مِنْ ذَابٍّ يَذُبُّ  
عَنِّي، وَلَا أَرَى مَنْ يُلْتَبَى دَعْوَتَهُ، وَ يُجِيبُ  
صَرَخَتَهُ إِلَّا الْقَلِيلَ، شَكَرَ اللَّهُ مَسَاعِيَهُمْ وَ  
جَزَاهُمْ خَيْرَ الْجَزَاءِ.<sup>۱</sup>

آیا کمک کننده ای هست که دفاع از من کند؟ و نمی بینم کسی لبیک گفته و ناله او را پاسخ دهد مگر عده کمی که پروردگار کوششهای آنان را سپاسگزاری کند.

\* سفارشش می کنم به اندیشیدن در کتاب خداوند و پند گرفتن از آن.

\* و به زیارت اهل گورستان و قبور، و اندیشیدن در اینکه آنان دیروز چه کسانی بوده، و امروز چه شدند، و چگونه بودند؟ پس چگونه گردیدند، و کجا بودند، و امروز کجا هستند؟

\* و نیز کم کردن معاشرت و همنشینی، زیرا معاشرت در این زمان هم منع دارد و هم خطر، و کم انجمنی است که خالی از بهتان و غیبت در حق مؤمنین و عیب جویی و تحقیر

۱. اقتباس از سخن سرور آزادگان ابا عبدالله الحسین علیه السلام در روز عاشورا.

و ضایع کردن حقوق و برادری آنان باشد.

\* سفارش می‌کنم او را بر صلۀ رحم، زیرا آن از نیرومندترین اسباب توفیق و برکت در عمر و زیادی روزی است.

\* سفارشش می‌کنم به تصنیف و تألیف و نشر کتابها و آثار دانشمندان شیعهٔ امامیه، به‌ویژه کتابهای گذشتگان از آنان، زیرا این روش از بهترین راه‌های تقویت مذهب در زمان واژگون و انحطاط است.

\* و سفارش می‌کنم او را به زهد و بی‌اعتنایی به شئون دنیا، و راه و روش و رِع و پرهیزگاری و احتیاط.

\* و سفارشش می‌کنم به مداومت قرائت زیارت جامعهٔ کبیره، اگرچه در هفته یک بار باشد.

\* و سفارش می‌کنم او را به اشتغال و کوشش در فراگرفتن علوم شرعی.

\* و سفارشش می‌کنم به تدوین و تنظیم کتاب خودم؛ مشجرات آل رسول‌الله الاکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، و نیز: حواشی و تعلیقاتی که بر کتاب عمدة الطالب دارم، و تمام آثار حقیر و آنچه از قلم من بر صفحات جاری شده، چه بسا شبهای بسیاری را تا صبح بیدار بوده، و چه رنجهایی در روزها جهت استخراج از گوشه و کنار صدها کتاب بلکه هزاران کتاب در فنون مختلف کشیده‌ام.

\* و سفارش می‌کنم او را به دوری جستن از غیبت

بندگان خدا، به ویژه اهل علم، زیرا غیبت آنان چون خوردن مُردارِ مسموم است.

\* و سفارشش می‌کنم بر صلهٔ رحم. چه آن سبب توفیق برای اعمال شایسته و زیادی عمر و برکت در روزی انسان است.<sup>۱</sup>

\* و سفارش می‌کنم او را به خواندن سورهٔ «یس» بعد از نماز صبح هر روز یک مرتبه، و نیز به خواندن سورهٔ «نبأ» (عمّ یتسألون) بعد از نماز ظهر، و به خواندن سورهٔ «عصر» پس از نماز عصر، و به خواندن سورهٔ «واقع» بعد از نماز مغرب، و به خواندن سورهٔ «الملک» بعد از نماز عشا، و تأکید می‌کنم مداومت کند بر آنچه یادآور شدم، زیرا من شخصاً روایت می‌کنم این روش را از استادان بزرگوار خود و بارها نیز تجربه کرده‌ام.

\* و سفارشش می‌کنم به مداومت این دعای شریف در قنوت‌های نمازهای واجب و آن را من روایت می‌کنم از پدر علامهٔ خود، و نیز از جمال‌السّالکین مرحوم شیخ محمد حسین شیرازی و آن دو بزرگوار از استاد خود مصباح‌السّالکین مرحوم سید مرتضی رضوی کشمیری و او نیز به طریق خود از ستارهٔ فروزان سید رضی‌الدین علی‌بن طاووس حسنی، مؤلف کتاب الاقبال که متصل به اصحاب موالی ما و پیوستگی به

۱. برای اهمیت صلهٔ رحم، مطلب را تکرار فرموده‌اند.



پیشوایان ما دارد روایت می‌کند و آن دعا این است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ فَاطِمَةَ وَ آيِبَهَا، وَ بَعْلِهَا  
وَبَنِيهَا، وَ السِّرِّ الْمُسْتَوْدَعِ فِيهَا، أَنْ تُصَلِّيَ  
عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي مَا  
أَنْتَ أَهْلُهُ، وَ لَا تَفْعَلَ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ.

پروردگارا! من تو را به حق فاطمه و پدرش،  
و شوهرش و فرزندان، و رازی را که در او به  
امانت نهاده‌ای می‌خوانم، اینکه درود بفرستی  
بر محمد و آل محمد و آنچه خود اهل آنی با  
من عمل کنی و به‌جا آوری، و به‌جا نیاوری با  
من آنچه را من اهل آنم.

\* و سفارش می‌کنم او را به مداومت این دعا پس از ذکر  
رکوع، خصوصاً در رکعت آخر:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ تَرَحَّمْ  
عَلَيَّ عَجْزِنَا وَ آغِثْنَا بِحَقِّهِمْ».

«پروردگارا! بر محمد و خاندانش درود فرست  
و ترحم بر عجز ما کن، و به حق آنان پناهمان  
بده و به داد ما برس.»

\* و سفارشش می‌کنم به مداومت تسبیحات جدّه ما  
زهرای بتول، که روح فدایش باد.

\* و سفارش می‌کنم او را به مداومت و تفکر در خطبه  
این بانوی پاک منزّه در مسجدالنبی؛ آن خطبه‌ای که بلغا

و فصحا را از آوردن مانند آن عاجز ساخت، و آن را عده‌ای از بزرگان گذشته نقل کرده‌اند.

\* و سفارشش می‌کنم به تدبیر و اندیشیدن در خطبه شقشقیة مولای ما امیر مؤمنان و سید مظلومان که در مسجد انشا فرمود، و آن را عده بی‌شماری از فریقین - که مورد وثوق هستند - نقل کرده‌اند.

\* و سفارشش اکید می‌کنم او را به نماز شب و استغفار در سحرها.

\* و سفارشش می‌کنم به صلهٔ رحم، به‌ویژه با برادران و خواهران خود، و نیکی کردن در حق آنان. من پس از خود چیزی از زخارف دنیا برای آنان نگذاشتم. آنچه را به دستم رسید در نیازهای مردم، خصوصاً اهل علم، صرف نمودم، حتی نذورات شخصی خود را که مردم برای من نذر می‌نمودند، همه را در احتیاجات اهل علم صرف کردم. من به زودی از دنیا می‌روم و از مال دنیا چیزی برای بازماندگانم ننهادم و وکیل آنها را خداوند کریم قرار داده‌ام، پس پسند گیرید ای صاحبان بصیرت.

\* سفارشش می‌کنم او را به کوشش اکید در امر کتابخانهٔ عمومی که در این شهر مقدس برای حوزهٔ مقدسهٔ قم و عموم مردم تأسیس کرده‌ام، و نیز حسینیه‌ای که از نفقهٔ مرحوم حاج غلامحسین شاکرین بنیاد کرده‌ام و در آن عزای آل رسول ﷺ و مجالس یادبود برادران دینی منعقد می‌گردد، همچنین

مدرسه‌ای که در خیابان ارم ساخته‌ام، و نیز مدرسه‌ای که نوسازی و عمران آن را نموده‌ام که در انتهای خیابان چهارمردان واقع شده، و نیز مدرسه شهابیه که در محل سینمای سابق قم قرار دارد که زمین آن را از صاحبش خریداری و با کمک مردمان باایمان ساخته شد، خداوند توفیقات آنان را افزون فرماید. غیر آنها از آثاری که خداوند توفیق ساختن آن یا ترمیم و تعمیر آن را به حقیر داد.

\* سفارشش می‌کنم به تکمیل آنچه از قلم من صادر شده از تألیف و تصنیف، و نیز نشر آنها، که شامل نوشته‌های زیادی در فقه و اصول و کلام و انساب و رجال و درایه و تفسیر و حدیث و تاریخ و تراجم و مجموعه‌ها و سیر و سلوک و عرفان و مقامات، و نیز نوشته‌های دیگر در حالات معنوی و مکاشفات و مجاهدات و ریاضات و سختیایی که متحمل شده‌ام، می‌باشد.

\* و سفارش می‌کنم او را در نیکی کردن در حق فقرا و سادات و طلاب علوم دینی.

\* سفارشش می‌کنم به مداومت زیارت مشاهد عترت زاکیه، من شخصاً چه بهره‌های فراوان از این مشاهد برده‌ام.

\* و سفارش می‌کنم او را به شکیبایی در مصیبتها و شدائد روزگار، خصوصاً در میدان تیر حسودان، پس بنگر به آنچه با پدر مظلوم و غریب تو کردند.

\* سفارشش می‌کنم به قرائت قرآن شریف، و تدریس

و تدرّس احادیث بلندپایه پیشوایان راستین دین، زیرا آنان شفادهنده بیماری دلها، و نوردهنده باطن هستند.

\* سفارش می‌کنم او را که مرا از دعای خیر فراموش نکند، چه در زمان حیاتم، و چه پس از آن.

\* و سفارشش می‌کنم به توّسل و مداومت دعاها و ذکرها. و اجازه به او می‌دهم در خواندن دعای سیفی مشهور به «حِرزِ یمانی»؛ زیرا من اجازه قرائت آن را از پدر علامه خودم - که خداوند اکرام او را فزون کند - دارم و نیز از علامه شیخ محمدحسین بن محمد خلیل شیرازی، و علامه حاج شیخ حسنعلی اصفهانی ساکن مشهدالرضا، و آنان از علامه جمال السالکین سید مرتضی رضوی کشمیری نجفی به طریق خود که منتهی می‌شود به علامه سید رضی‌الدین علی بن طاووس حسنی صاحب کتاب اقبال.

\* و نیز اجازه قرائت إعْتِصَام سیفی و خاتمه آن را به او دادم.

\* و همچنین اجازه قرائت اورادی را که در شائد داشتم.

\* و نیز اجازه به او دادم در قرائت آنچه در کتاب خود در

این شئون آورده‌ام (و این کتاب را از غیر اهلش محفوظ دارند).

\* و سفارش می‌کنم او را به دوری‌جستن از بی‌کاری

و بطالت و صرف عمر عزیز در چیزهایی که نفعی ندارد.

روایت شده است که:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى شَأْنَهُ يُبْغِضُ الشَّابَّ الْفَارِغَ.

خداوند تعالی، جوان بی‌کار را دشمن می‌دارد.

\* و سفارشش می‌کنم به استغفار در شبها و نیز

در روز.

\* و سفارش می‌کنم او را به نیکی کردن در حق آنهایی که

من آنان را تربیت کرده‌ام؛ از شاگردان باتقوای خود، و کسان دیگر که مرا یاری کرده‌اند.

\* و سفارشش می‌کنم که مرا از دعا در مشاهد مشرفه

پیشوایان گرامی و مشاهد اولاد آنان و نیز در حج و عمره فراموش نکند.

\* و سفارش می‌کنم او را در کوشش و پایداری در

برگزاری شعائر الهی در حسینیه‌ای که در قم مقدسه بنیانگذاری کرده‌ام.

\* سفارشش می‌کنم به اینکه کیسه‌ای که در آن خاک

مرقد ائمه طاهرين علیهم‌السلام و اولاد آنان و قبور اصحاب و بزرگان را جمع‌آوری کرده‌ام، برای تیمن و تبرک با من دفن نماید، و مقداری از آن را هم زیر صورت و قدری محاذی صورت بریزند.

\* سفارش می‌کنم او را به اینکه لباس سیاهی که در

ماه‌های محرم و صفر می‌پوشیدم،<sup>۱</sup> با من دفن شود.

\* و سفارشش می‌کنم به سجاده‌ای که هفتاد سال بر آن

۱. این لباس را بعد از این وصیت خودشان به شخص و یا محلی داده‌اند که هیچ‌یک از بازماندگان از آن اطلاعی نداریم.

نماز شب به جا آورده‌ام، با من دفن شود.<sup>۱</sup>

\* و سفارش می‌کنم او را به تسبیحی از تربت امام حسین علیه السلام، که با آن در سحرها به عدد آن استغفار کرده‌ام، با من دفن شود.

\* و سفارشش می‌کنم به دستمالی که اشکهای زیادی در رثای جدم حسین مظلوم و اهل بیت مکرم او ریخته و صورت خود را با آن پاک می‌کردم، بر روی سینه در کفنم بگذارند.

\* و سفارش می‌کنم او را که دو عقیق را پس از انجام مراسم غسل در زیر زبانم بگذارند.

\* و سفارشش می‌کنم قرآن کوچکی را که به او سپرده‌ام، به هنگام دفن در دست راست من بگذارند.

\* و نیز قوطی حلبی محتوی آب زمزم را سوراخ کرده به هنگام دفن در قبر بپاشند.

\* سفارش می‌کنم او را که پس از مرگ در منزل مسکونی مرا غسل ندهد و حتماً به غسلخانه عمومی شهر برده و در آن محل غسل دهند.

\* سفارشش می‌کنم که صلات لیلۃ الدفن را به چهل نفر بدهد.

\* سفارش می‌کنم او را که یک شخص متدین را به نیابت

۱. از این سجاده فقط قطعه‌ای کوچک باقیمانده که پس از این وصیت به اینجانب فرمودند که جزو البسه‌ای که در مرقدشان قرار می‌دهیم، بگذارم.

از طرف حقیر به حج فرستاده تا این فریضه الهی را برایم انجام دهد، البتّه اگر شخص ایشان یعنی آقای حاج سید محمود رأساً انجام دهد بهتر، و الاً شخص امینی را که مورد وثوق باشد اجیر نمایند. متأسفانه در مورد تأمین پرداخت مخارجی که بایستی بشود، محلی ندارم و اگر ایشان خودشان توانستند تأمین کنند.

\* سفارشش می‌کنم که یک شخص متدین دیگر را، اگر راه عتبات عالیات باز شد، به نیابت از طرف حقیر به کربلا و نجف و کاظمین و سامرا و سایر مشاهد عراق بفرستد تا زیارت کند.

\* در مجالس ترحیم سفارش می‌کنم که از عموم مؤمنین خصوصاً اهل علم و شاگردانم حلالیت بطلبند. چه آنکه ممکن است گاهی عصبانی شده و در بحث با آنان تندی کرده باشم، که خدا را شاهد می‌گیرم، از روی اختیار نبوده است.

\* سفارش می‌کنم فرزندانم را محلی که حقیر ظهرها و شبها در حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام اقامه جماعت می‌نمایم سعی کنند تعطیل نشود، بدین کیفیت که ظهرها یک نفر، و مغرب و عشا یک نفر دیگر اقامه جماعت بنماید.

\* سفارش می‌کنم که از تمام ارحام چنانچه به علت کسالت و گرفتاری زیاد نتوانستم تفقّد نمایم، حلالیت بطلبند؛ همچنین از خادمهای منزل.

\* سفارش می‌کنم او را که سعی کند موسوعه عظیم

ملحقات الإحقاق که تاکنون ۲۱ جلد آن چاپ شده<sup>۱</sup> و نتیجه زحمات پیگیر سی ساله حقیر و رفقا و نیز خود ایشان است، به تدریج چاپ و منتشر کند که این از آرزوهای دیرینه حقیر است.

**\* و سفارشش می‌کنم به نشر آثار اسلاف گرامیش و پدران بزرگوارش، حاملین فقه و اسطوانه‌های حدیث و تمام علوم اسلامی و طبع آن، تا در طول تاریخ برای استفاده و افاده بماند؛ به ویژه آنچه از قلم پدر علامه بزرگوارم صادر شده است.**

**\* و سفارشش می‌کنم او را که پیوسته با طهارت و وضو باشد، چه آن خود سبب نور باطن و برطرف کننده آلام و اندوه‌ها است.**

**\* و سفارشش می‌کنم که جنازه مرا روبه روی مرقد مطهر بی‌بی فاطمه معصومه علیها السلام قرار داده، و در این حال یک سر عمامه‌ام را به ضریح مطهر و سر دیگر را به تابوت بسته، به عنوان دخیل، و در این هنگام مصیبت وداع مولای من حسین مظلوم با اهل بیت طاهرینش را بخوانند.**

**\* و سفارشش می‌کنم او را که جنازه مرا در حسینیه‌ای که برای عزای جدم تأسیس کرده‌ام قرار داده و همین عمل بستن عمامه را تکرار کنند. بدین ترتیب که یک سر آن را به منبر سید الشهداء علیهم السلام و سر دیگر را به تابوتم بسته و همان‌گونه مصیبت وداع را بخوانند.**

۱. لازم به توضیح است، بعد از این وصیت سه جلد دیگر (جلدهای ۲۲ و فهرست تا جلد ۲۲ و ۲۳) در زمان حیات ایشان و جلد‌های ۲۴ تا ۳۶ پس از رحلت معظم له چاپ و منتشر شده است.



\* همچنین هنگامی که جسد من را در قبری که خود جای آن را مشخص کرده‌ام و در ورودی کتابخانه عمومی که در شهر قم تأسیس کرده‌ام قرار دارد، می‌گذارند، مصیبت وداع امام حسین علیه‌السلام را بخوانند.

\* و سفارشش می‌کنم کوشش کند که بدن من در همین مکان کتابخانه دفن شود، حتی اگر در بیرون شهر قم اجل من فرا رسد.<sup>۱</sup>

\* و سفارش می‌کنم او را به حفظ دعاهایی که همیشه با خود داشتم.

\* و سفارشش می‌کنم که قسمتی از مال خود را به عنوان مظالم عباد برایم اختصاص دهد.

\* و سفارش می‌کنم او را که یکی از ذاکرین و یا مداحان و نوکران اباعبدالله‌الحسین علیه‌السلام را معین کند تا در هر شب جمعه یادی از مصیبت‌های آل رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و عترت او در مقبره‌ام بنماید.<sup>۲</sup>

۱. اینجانب انگیزه سفارش دفن در کتابخانه را از ایشان سؤال کردم که چنین بیان داشتند: «حقیر با آنکه محل دفن مناسبی در حرم مطهر بی‌بی فاطمه معصومه علیها‌السلام برایم از سالیان قبل در نظر گرفته شده، لکن میل دارم در کنار کتابخانه عمومی زیر پای افرادی دفن شوم که به دنبال مطالعه علوم آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به این کتابخانه می‌آیند».

۲. مدتی قبل از رحلت ایشان شخصاً به اینجانب فرمودند: «شبها چون اکثر آقایان و دوستان گرفتارند، لذا این مجلس ذکر مصیبت را قبل از نماز مغرب و عشاء شب جمعه در مقبره‌ام تشکیل بدهید» که این هم اکنون ادامه دارد.

\* و سفارشش می‌کنم که شخصی را معین کرده تا با صدای بلند در تشییع جنازه‌ام<sup>۱</sup> مردم را آگاه کند تا چنانچه کسی حقی بر من دارد و موفق به ادای آن نشده‌ام و یا کوتاهی کرده‌ام، از حقیر درگذرد.

\* و سفارش می‌کنم او و تمام فرزندان مکرم خود را تا در شب جمعه هر هفته اطراف قبر من اجتماع کرده چند آیه از قرآن کریم را خوانده و به مصیبت‌های سیدالشهدا علیه السلام و اهل بیت بزرگوارش گوش فرا دهند.<sup>۲</sup>

\* و سفارشش می‌کنم به حُسن خُلق و تواضع و ترک تکبر و خودخواهی با مؤمنین.

\* و سفارش می‌کنم او را به محاسبه نفس در هر هفته؛ مانند حساب شریک از شریک دیگر با دقت کامل، و اگر لغزشی احساس کرد، با توبه در صدد تدارک و جبران آن برآید، و اگر حسنه‌ای در اعمال و رفتارش یافت، خداوند سبحان را شکرگزار باشد و از درگاهش مزید توفیق را طلب کند.

۱. آقا تا این زمان تصمیم به عدم تشییع نگرفته بودند و در وصیتنامه دیگری که مرقوم فرموده‌اند، یادآور شدند که: «بایستی تشییع انجام نگیرد». مجدداً چندروز قبل از رحلتشان تصمیم خود را تغییر و با تشییع موافقت کردند و فرمودند هرچه پیش آمد، انجام شود.

۲. منظور همان مجلس ذکر مصیبت است که در حال حاضر قبل از نماز مغرب و عشاء هر شب جمعه در مرقده مطهر ایشان برگزار می‌شود.

**\* و سفارشش می‌کنم به مداومت بر سنن و مستحبات و ترک مکروهات تا حد امکان.**

**\* و سفارش می‌کنم او را به خواندن و قرائت قرآن شریف و هدیه و ثواب آن را به ارواح شیعیان آل رسول علیهم السلام از آنانی که بازماندگانی ندارند، نثار کند، و من شخصاً بارها از این عمل که سبب توفیق بیشتر در امور بوده، تجربه آموخته‌ام.**

**\* و سفارشش می‌کنم که یک سوم از اعمال مستحب خود را برای پدرش، و یک سوم دیگر را برای مادرش، و یک سوم آخر را برای صاحبان حقوق و ارواح آنان اختصاص دهد، و از این عمل خرسند باشد، و از خدا بخواهد که او را خیر دو دنیا نصیب کند.**

**\* و سفارش می‌کنم او را به تهذیب نفس و مجاهدات شرعیه، و من شخصاً آنچه را خداوند کریم روزی کرد و تا آن روز چشمه‌ایم ندیده و گوشه‌ایم نشنیده، سپاس گزارم. بعضی از آنها را در کتاب مخصوصی که آن را به سلوة‌الحزین و گاهی مونس‌الکئیب المضطهد و گاه روض‌الریاحین و گاهی نسמת‌الصبا نامیده‌ام، آورده‌ام. هرکدام از این چهار نام را که می‌خواهی انتخاب کن.**

ای فرزند من! ای میوه دل من! بدان که این مجموعه که به آن اشاره کردم، قسمتی از اسرار و اوراد و اذکار و غیره است که در آن آورده‌ام.

\* و سفارشش می‌کنم به دوری گزیدن از کارهای حرام و شبهات و پیمودن راه احتیاط.

\* راجع به موضوع کتابخانه عمومی که اهم موضوعات این وصیت است: بنیان‌گذار این کتابخانه در حقیقت آقای حاج سید محمود فرزندانم می‌باشد؛ زیرا ایشان بیش از بیست سال قبل با اختصاص دو حجره در مدرسه مرعشیه خیابان ارم که روبه‌روی کتابخانه فعلی قرار دارد - برای کتابخانه مدرسه - و سپس خریداری چند زمین و خانه قدیمی که محل فعلی کتابخانه را تشکیل می‌دهد، این مؤسسه عام‌المنفعة عظیم را به تدریج توسعه داده تا به امروز که یکی از بزرگترین کتابخانه‌های اسلامی است.

من جداً از ایشان که برای ابقا و اداره و توسعه روزافزون آن از هیچ کوششی فروگذاری نکرده و نمی‌کند و همواره تمام اوقات خود چه روزها و چه شبها و با مسافرت‌های متعدد و تحمل رنج و زحمت صرف در آن می‌نماید، تشکر و قدردانی می‌کنم، و در حقیقت بایستی گفت که بانی و مؤسس اولی آن، شخص ایشان است. تنها نگرانی حقیر در باره این فرهنگستان عظیم اسلامی، توسعه ساختمان و اداره آن از لحاظ مالی پس از حقیر می‌باشد، چون چنین مؤسسه عظیمی با مخارج سنگین و توسعه روزافزون آن، ظاهراً از عهده شخص یا اشخاص خارج و تنها می‌توان بر پشتوانه دولتی تکیه کرد، و این خود از

وظایف دولت یا نهادهای دیگر است که چنین مجموعه‌ای را نگاه بدارند. خوب است آنهایی که تا کنون ندیده‌اند از نزدیک ملاحظه نمایند و ببینند که چه خون‌دل‌هایی ایشان و حقیر برای جمع‌آوری این مقدار کتاب خورده‌ایم، باشد تا دعای صاحبان آن موجب توفیق بیشتر ایشان گردد.

به هر حال من جداً خواهان این موضوع می‌باشم که به این مؤسسهٔ عظیم که وقف عام شده و مربوط به عموم مردم است، توجه بیشتری شود تا به یاری خداوند این‌گونه آثار ارزشمند اسلامی که از آفات زمان مصون مانده و به دست ما رسیده، صحیح و سالم به نسل‌های بعدی تحویل گردد. من اشخاصی را که در این راه از هیچ کوششی فروگذاری نکنند، دعا کرده و برایشان طلب مغفرت می‌نمایم، و بدانند که وجود این کتابخانه از صدها مسجد و مدرسه و حسینیه و بیمارستان و غیره لازم‌تر است. خدا خود شاهد است که حتی برای یک حج، جلدی از اینها را به فروش نرسانیده و فقط ذخیرهٔ آخرت خودم کرده‌ام. روا نیست حال که در طبق اخلاص گذارده و صدها و صدها میلیون ارزش ظاهری آنهاست و تقدیم جامعه نموده‌ام، نگران اداره و بقای آن باشم. گرچه خداوند بزرگ تا حال عنایت فرموده و از این پس نیز خود وسایل آن را مهیا می‌فرماید، ان‌شاءالله تعالی. حقیر متولیان را یکی پس از دیگری معین کرده‌ام.

**\* به فرزندان و شاگردان و دوستان و مؤمنین نصیحت پدرانهای - از پدر پیر نود و چند ساله - دارم که این دنیا فانی است. در این دنیا هرچه ذخیرهٔ مادی کنید، فنا می‌شود، ذخیرهٔ آخرت فنا نشدنی است. حقیر با آنکه میلیونها از وجوه و غیره به دستم رسید، تماماً بدون کم و کاست جهت طلاب و مؤسسات دینی و فقرا و ایتام و سایر موارد مستحقهٔ صرف و حال که از این دنیا رخت برسته و آفتاب عمرم رو به پایان است، خیلی سبک و راحتم. چرا که یک وجب آب و زمین و یا دیناری در بانکی یا جایی ندارم. سعی کنید از کارهای تشریفاتی که باعث سوءظن مردم به اهل علم می‌شود، جداً دوری کنید، مال‌اندوزی و زراندوزی را کنار بگذارید که همه چیز در یک لحظه از دست می‌رود. تا می‌توانید بارتان را سبک کنید تا فردای قیامت از سؤال و جواب آن عاجز نباشید. به فقرا و مستمندان تا می‌توانید مساعدت کنید که بدین وسیله سلامت خود و فرزندانان را بیمه کرده‌اید.**

**\* خداوند! از تو طلب زیادتی توفیق برای دوستان می‌نمایم، تا علم نافع در روز معاد و عمل شایسته ایشان را زیاد فرمایی، و از تو می‌خواهم تا این بیچارهٔ مسکین مستکین و اولادم را به زیر پرچم امیرالمؤمنین علیه السلام محفوظ بداری.**

**\* پروردگارا از درگاهت درخواست عفو و بخشش برای آنچه از من و فرزندان و دوستان و مؤمنین مبادرت به آن شده را دارم و اینکه نامهٔ اعمال ما را به دست راست ما بدهی. همچنین از تو می‌خواهم که ما را با دوستی و محبت آل رسول صلی الله علیه و آله از دنیا بیرون ببری.**

**\* الهی به مادر دل شکسته‌ام، به مادر پهلو شکسته‌ام، به عمهٔ بازو بسته‌ام نظر لطفی بفرما تا ما را از جمله محبتان خاندان عصمت و طهارت قرار دهی، و دست ما را از ذیل عنایت آن بزرگواران کوتاه نفرمایی.**

**\* و از تو می‌خواهیم توفیق بیزاری از دشمنان و کم‌کنندگان مقام آن بزرگواران و صاحبان بغض و عداوت آنها و کسانی که حقوق آنان را غصب کردند، و منکر فضایل آنان شدند، و مناقبشان را انکار کردند، و شک در مراتب آنها نمودند، که خداوند آن بزرگواران را در جایگاه رفیع قرار داده است.**

**\* پروردگارا زنده‌دار ما را به حیات آنان، و بمیران ما را با دوری از دشمنان آنان.**

**\* خداوند! می‌دانی که من هلاک در دوستی و محبت آنان هستم؛ پس مرا جزای کسانی را که در راه تو شهید شده و خون خود را ریختند و در راه آنان جنگیدند، جزا ده (ثواب شهیدان بده)، و مرا در زمرهٔ کسانی که از این خانواده و هدف و روش**

آنان دفاع می‌کنند، قرار ده، و مرا در طریقهٔ راه آنها قرار فرما، و به راهنمایی آنها هدایت کن تا گام به گام در راه آنها قدم بردارم، و از کسانی که تمسک به دوستی آنها نموده و به ریسمان آنها چنگ زده‌اند، قرار ده. آمین آمین. راضی به یک آمین نبوده بلکه هزاران آمین تا اضافه و افزوده گردد، و خداوند رحمت کند کسی را که آمین بگوید، و درود بر رهروان حق و هدایت، و کسانی که از میدان هواپرستی و خودخواهی دور هستند.



## ترجمه پایان یکی از وصیتنامه‌ها

به نگارش درآورد این را (این وصیتنامه را)، کوچکترین خادم علوم اهل بیت علیهم‌السلام ابوالمعالی شهاب‌الدین الحسینی المرعشی النجفی، خداوند او را عفو کند در هر حال، در سحر شب پنج‌شنبه ده روز مانده از ربیع‌الثانی سال ۱۳۹۸ از هجرت سیدالمرسلین، در مشهد بی‌بی جلیله، کریمه آل رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، فاطمه معصومه علیها‌السلام، در شهر قم مشرفه، حرم ائمه طاهرین و آشیانه آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، در حالی که ستایش می‌کنم خدا را و درود می‌فرستم بر محمد و آل محمد و طلب آمرزش از پروردگار دارم.

## پایان وصیتنامه دیگر

و في الختام أرجو من فضله تعالى أن يوفقنا لما يُحِبُّ ويرضَى، و يُجَنِّبنا عَمَّا لا يُحِبُّ ولا يَرْضَى. و أسئله تعالى أن يَغْفِرَ لنا ما صَدَرَتْ مِنَّا - من تَضْيِيعِ حَقِّ أو مالٍ أو إِسَانَةِ أَدبٍ أو اغْتِيَابٍ أو بهتٍ - في حَقِّ الْمُؤْمِنِينَ، و هو العالم بالسَّرائِرِ،

والواقف علی الضمائر، علیم بأن الهفوات لم تصدر مني عمداً  
سواء كان في حقوق الله أو حقوق الناس، وأستدعي ممن له  
حقّ عليّ أن يعفو عني ما بدرت وصدرت من هذه المظالم،  
وأرجو من كرمهم الصّفح عن الزلات فيأتي مفتقر إلى دعائهم  
في حياتي وبعدها... والسّلام على عباد الله الصّالحين.  
في مُنسلخ شهر الله رمضان المبارك سنة ١٤٠٩، أمليته في  
حال كمال الشّعور والإختيار والإرادة، وكان ذلك ببلدة قم  
المشرّفة حرم الائمة الأطهار عليهم السلام وعشّ آل محمد عليهم السلام، حامداً  
مُصلياً مُسَلماً مُستغفراً، وأنا العبد الموصي خادم علوم  
اهل البيت عليهم السلام والمُنِيخ مطيّه بأبوابهم أبوالمعالی شهاب الدين  
الحسيني المرعشي النجفي، رزقه الله شفاعة جدّه أمير المؤمنين  
روحي له الفداء، آمين.

## بسم الله الرحمن الرحيم

للحدیث توارثت اخبار نعمانه ونقلت احادیث ضووف الائمة ولكن ان  
 تمنعت عن اياتكم واستغفرت ان اربله ونعمه  
 والعلامة والعلامة على <sup>الاسناد</sup> من <sup>العلامة</sup> الرسل <sup>العلامة</sup> والرسالة...  
 السند بل يعرف بالتبليغ والعلامة سيقا ونينا ابو القاسم محمد بن عبد الله...  
 حلة علمه وعضدته كارهه ومعالیه والعلامة المستتر على من ناواهم و  
 عاداهم في مقتر السرد نظام الطلانية باية غلالة لبرهما وايضا يشار في نسوه  
 وبعد يقول السيد الاجم فضل به ان يرب بين اصل الحدیث كنب  
 المضطهد المضموم المتكدر بهام حاسده وشائبه مقصود التام  
 بعارض السنة معانیه املد الحقبة المنكية للفاشية ونخصه من الزملاء  
 البقول امر العلي شهاب الدين السينا الشرايفين خاتم ائمة اهل البيت عليهم السلام  
 سنة وولاه الكرم سؤارة ملقهم ذات الشفاغهم قد استجاز عنى رواية  
 الاحاديث الروية عن النبي الاكرم وخلفائه العسوف الائمة الهامة الهيتين اربعة  
 في جميع الحديث وجميع الروايات التي ساعها في بركة التاليف فلاحل  
 العلم بمحااجة النعمة وبلابل اصل الايمان ولكنه وقرة عينه وقرة فزادى  
 الجاه بنى طرفي المجد وتالله الشيطاني جميع انا اجبله عبد الاسلام والسلمين  
 ابراهيم جمال الدين الحاج السيد محمود المسيح العيسى اذ لم اقره عنى وياسه واسعد  
 اعمامه وحيث كان اصل ذلك وجدوا باهاكك فاجرت له ان يروي عن  
 تلك النكالة المخزومة في زبال الصواب عبد الاسلام اسلمين الحديث ونعمه  
 كالكتاب والتفصيل والاستبصار والروايات والرسائل والعلم والشافي بمجال الفهار  
 وفيها ما اتسوا نوسم الزكية في جميع مثلها وسمرها الكتاب في ترجمتها و  
 تنسيقها برام لتخير البناء وحشمهم مع مواليهم من الائمة الهمة و

آغاز وصيتنامه سال ۱۳۹۸ قمری، به ضمیمه اجازة روايتی

به خط مبارك خودشان در ۲۶ صفحه كه به نام اينجانب مرقوم فرموده اند.

بجمل محبتهم آمین امین الارضی بواحدۃ عتیضاف الی الالف آمینا و بجم  
 عبکنا الینا و السلام علی من اتبع الهدی و نانی بجانب من الهوی خیر و العبد  
 العتیر خلد علم لعل البیتۃ ابلو لعلی شهاب الین العتیر العتیر العتیر العتیر  
 و كان له في كل حال في سحر ليلة الخميس لعشرين من ثانی الربیعین  
 من شهر ۱۳۹۸ من هجرة سيد المرسلين في مشهد است  
 الجليلة كريمة ال رسول فامة لمصوة  
 ببلدة قم المشرقة حرم الائمة الالهية  
 و عش ال محمد طاملا و نانی  
 محمدا سعیداً

انجام وصیتنامه سال ۱۳۹۸ قمری  
 که به خط و مهر و امضای مبارک ایشان مزین است

مجلس  
 مجلس

ما نمی

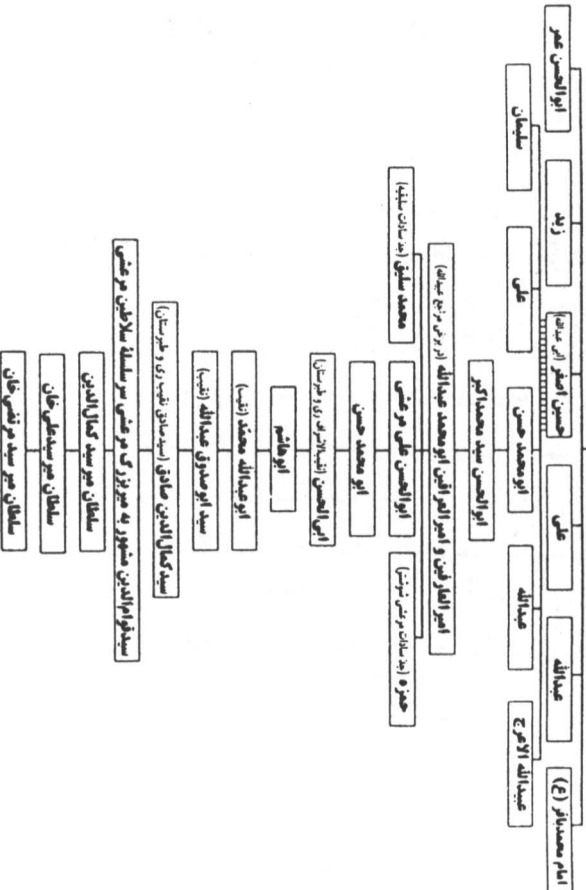
و فی الختام ارجو من فضلكم تعالیٰ ان یوفقنا لما یحب و یرضی، و یبضنا عما لا یحب  
 یرضی. و اسئلكم تعالیٰ ان یغفر لنا، و یرحمنا، و یصلح لنا، و یصلح لنا، و یصلح لنا،  
 ارجو ان یغفر لنا، و یرحمنا، و یصلح لنا، و یصلح لنا، و یصلح لنا،  
 الضار علیهم بأن الخصال لم تعد من عملنا سوا، كان فی حقوقنا و حقوق  
 الناس، و استلحق من حقنا، علی ان یعرف من حقنا ما بدلت و عدلت  
 من هذه المظالم، و ارجو من كرم الضعف من ذوات فاتی مفقود الی ربانهم  
 فی حیاتی و بعد الممات، و اؤدی علی الرضی الكرم فی رعایة علم الشیع و الله  
 ظلیفی علیہ و علی سائر اولاد (5)، فمن بدلنا بعد ما سمعنا فعلیه عمسار  
 و السلام علی عمادتنا الصالحین، فی منلیغ شہادتہ رمضان المبارک سنہ ۱۴۰۹ھ  
 املیتہ فی حال کلال الشعور و اختیار و الارادة و کما ان ذلك ببلقہ قمر المشروت  
 حرم اللائمتہ الاطهار و عشق آلہم، طیر الاحلام حاملہ مصليا مسلما مستعزرا، و اما العدل  
 انرمی خادم علوم اهل السیخ و المنخ مطیبتہ با برابہم ابوالمعالی شہاب الدین  
 الحسنی المرتضی رضی اللہ عنہم شفاعتہ عند امیر المؤمنین روحی اللغزانی امین

مجلس  
 مجلس

باسمه تامل

شجرہ نامہ حضرت آیت... المظاہر مرعشی نجفی (رہ)

## حضرت امام زین العابدین علی بن الحسین (ع)





**مرحوم آيتالله العظمى ابوالمعالي سيد شهابالدين حسيني مرعشي نجفي (ره)**

و.ت: 1276 هـ - 1310 ق. شرف - رحلت: 1297/7 هـ - 7 صفر 1311 ق. له التلميح  
 كنية: ابوالمعالي - نام خان: صاحب سلطان خانم دختر آيتالله سيد ابوالتامس حسيني خوشي (ره)  
 بهادنه عجمي كلكيدانه رازك هفت آيت... العظمى مرعشي نجفي (ره)



**تشریف حضرت آیت الله العظمیٰ مرعشی نجفی رحمۃ اللہ علیہ**  
**به محضر حضرت سیدالشہداء امام حسین علیہ السلام**  
**به روایت معظمہ**

در سال ۱۳۳۹ ق که جزو طلاب مدرسۂ قوام نجف اشرف بودم، زندگیم به سختی و مشقت اداره می شد و هجوم ناملایمات و رنجها بر قلبم سنگینی می کرد. این مشکلات و درخواستها عبارت بودند از:

۱. اخلاق ناپسند برخی از معتمین که به مراجع افترا می بستند؛ چنان که حتی نماز جماعت را در پشت سر افراد عادل نیز ترک کرده بودم.
۲. یکی از منسوبین من به شدت از تحصیل جلوگیری می کرد و به استادم نیز گفته بود، مرا به درس خود راه ندهد.
۳. مبتلا به بیماری حصبه شده بودم و بعد از شفا از آن بیماری، حالت کند ذهنی و فراموشی برایم پیش آمده بود.
۴. بینایی چشمهایم بسیار کم شده بود، به حدی که خواندن و نوشتن من به کندی انجام می شد.
۵. از تند نوشتن عاجز شده بودم.



۶. گرفتار فقر شدیدی شده بودم، به‌طوری که بعضی شبها چیزی برای خوردن به‌دست نمی‌آوردم.
۷. در قلبم احساس نوعی بیماری روحی دائمی می‌کردم.
۸. تزلزلی در عقیده‌ام نسبت به بعضی از امور معنوی به‌تدریج روی می‌داد.
۹. از خداوند می‌خواستم که هیچ‌کس، به‌ویژه هنگام درس، از من رنجور نشود.
۱۰. از خداوند می‌خواستم که دوستی دنیا را از قلب و جان من دور سازد.
۱۱. آرزو داشتم که خداوند سفر حج بیت‌الله الحرام را نصیبم کند، به شرط اینکه در مکه یا مدینه بمیرم و در یکی از آن دو شهر دفن شوم.
۱۲. از خداوند می‌خواستم که توفیق علم و عمل صالح را با همه گستره آن به من عنایت کند.
- این مشکلات و آرزوها لحظه‌ای مرا آرام نمی‌گذاشت، از این رو به فکر توسل به سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین علیه‌السلام افتادم و به کربلا رفتم و در رودخانه حسینیه غسل کردم و به حرم شریف رفتم و پس از زیارت و دعا، نزدیک غروب بود که به غرفه تولیت حرم، سیدعبدالحسین، صاحب کتاب بغیة النبلاء فی تاریخ کربلا، رفتم و از او اجازه خواستم که یک شب در حرم بمانم. ایشان موافقت کرد و من پس از تجدید وضو به حرم مشرف شدم. با خود فکر کردم که

امام در حیات ظاهری خود متوجه فرزند خود علی اکبر علیه السلام بوده است، پس حتماً بعد از شهادت نیز به سوی فرزند خود نظر می‌کند، از این رو در قسمت پایین پای آن حضرت در کنار قبر علی اکبر علیه السلام نشستم. اندکی که گذشت صدای حزین قرائت قرآن را از پشت روضه مقدسه شنیدم وقتی به آن طرف متوجه شدم، پدرم را دیدم که نشسته بود و قرآن قرائت می‌کرد. به نزد وی رفتم و از حالشان پرسیدم. با تبسم پاسخ داد که در بهترین حالت و برخوردار از نعمتهای الهی است. سپس پدرم از من پرسید که در این ایام درسی برای چه کاری به اینجا آمده‌ای؟ علت آمدنم را برایش شرح دادم. ایشان به من امر کرد که بروم و حاجتم را با امام خویش در میان بگذارم. پرسیدم امام کجاست؟ گفت در بالای ضریح است، تعجیل کن؛ زیرا قصد عیادت زایری را دارد که بیمار شده است. بلند شدم و به طرف ضریح رفتم. چهره مبارک آن حضرت در هاله‌ای از نور پنهان بود. عرض سلام و ادب کردم، در این هنگام امام تبسمی ملیح بر لبانش نقش بست. قطعه‌ای نبات به من عنایت کرد و فرمود: «تو مهمان مایی»، سپس فرمودند:

۱. «چه چیزی از بندگان خدا دیده‌ای که به آنها سوءظن پیدا کرده‌ای؟»، با این سؤال، در من یک دگرگونی پیدا شد و احساس کردم که دیگر به کسی سوءظن ندارم. صبح موقع نماز به مرد ظاهر الصلاحی که نماز می‌خواند، اقتدا کردم و هیچ ناراحتی و بدگمانی در من نبود.

۲. سپس حضرت فرمودند: «به درس خود پرداز؛ زیرا آن کس که مانع تو می‌شد، دیگر نمی‌تواند کاری کند». و چون به نجف اشرف بازگشتم، همان شخصی که از نزدیکانم بود و مانع درس من می‌شد، خودش به دیدنم آمد و گفت: «درست را بخوان به شرطی که از نظر مادی به ما نیازمند نباشی».
۳. آن حضرت مرا شفا داد و از همان ساعت احساس کردم که به کلی هیچ مرضی ندارم و آن حالت کند ذهنی نیز از من رفع شد، به گونه‌ای که به حافظهٔ عجیبی دست یافتم.<sup>۱</sup>
۴. در مورد درخواست چهارم، امام علیه‌السلام گفت: «از خداوند خواستم که نور چشمهایت را قوی کند».
۵. سپس قلمی را به من بخشید و فرمودند: «این قلم را بگیر و با سرعت بنویس». از آن زمان به شکلی عجیب نوشتن من سرعت یافت.
۶. و در خصوص گرفتاری مالی و فقر، آن حضرت کلماتی را بیان فرمودند که متوجه نشدم.
۷. و دربارهٔ آرامش قلبی من گفتند: «از خداوند خواستم که قلبت را آرام کند». از آن زمان، آرامش کاملی را در قلبم احساس کردم.
۸. آن حضرت در ثبات عقیده‌ام در امور معنوی دعا کردند.
۹. در خصوص درخواست نهم، آن حضرت فرمودند: «از
- 
۱. حافظهٔ آن بزرگوار به گونه‌ای بود که تا آخرین روزهای زندگی، از این لحاظ زبانزد عام و خاص بود.

خداوند برای تو صبر، جهت زحمات طاقت فرسا با اهل علم درخواست کردم و اینکه قلب هیچ کس از تو ناراحت نشود، به ویژه هنگام درس».

۱۰. آن حضرت از خداوند خواستند که حب دنیا، به ویژه

درهم و دینار، از قلبم خارج شود.

۱۱. در خصوص درخواست دوازدهم، آن حضرت

فرمودند: «از خداوند برای تو توفیق خدمات دینی و قبولی اعمال درخواست کردم».

بالاخره امام حسین علیه السلام همه حاجات مرا پاسخ داد، مگر

درخواست حج را.

من نیز به خاطر احترام، دوباره آن را مطرح نکردم و گمان

می‌کنم که علت جواب ندادن امام به خاطر شرطی باشد که کردم و آن اینکه در سفر حج بمیرم و در مکه یا مدینه دفن شوم.

پس از آن با حضرت وداع کردم و... به نجف بازگشتم در

حالی که همه آن ناراحتیها از بین رفته بود.

تلخیص و ترجمه از کتاب: قبسات،

اثر: سید عادل علوی

## تشریف حضرت آیت‌الله‌العظمیٰ مرعشی نجفی رحمۃ اللہ علیہ به محضر امام زمان (عج) «از زبان معظم‌له»

در ایام تحصیل علوم دینی در نجف اشرف، شوق زیادی جهت دیدار جمال مولایمان بقیة‌الله الاعظم (عج) داشتم. با خود عهد کردم که چهل شب چهارشنبه، پیاده به مسجد سهله بروم؛ به این نیت که به فوز زیارت جمال آقا صاحب الامر علیه السلام نایل شوم.

تا ۳۵ یا ۳۶ شب چهارشنبه ادامه دادم، بر حسب اتفاق، در این شب، هوا ابری و بارانی شد و حرکت از نجف، تأخیر افتاد. نزدیک مسجد سهله خندقی بود، هنگامی که به آنجا رسیدم بر اثر تاریکی شب، وحشت و ترس وجود مرا فرا گرفت، به‌ویژه از زیادی راهزنان و دزدها؛ ناگهان صدای پای را از دنبال سر شنیدم که بیشتر موجب ترس و وحشم گردید. برگشتم به عقب، شخصی را دیدم که نزدیک من آمد و با زبان فصیح گفت: «ای سید! سلام علیکم». ترس و وحشت به کلی از وجودم رفت و اطمینان و سکون نفس پیدا کردم. تعجب آور آن بود که چگونه این شخص در تاریکی شب، متوجه سیادت

من شد و در آن حال من از این مطلب غافل بودم.

به هر حال سخن می‌گفتیم و می‌رفتیم که از من سؤال کرد: «قصه کجا داری؟»، گفتم: «مسجد سهله»، فرمود: «به چه جهت؟»، گفتم: «به قصد تشرّف و زیارت ولی عصر (عج)».

مقداری که رفتیم به مسجد زید بن صوحان رسیدیم، داخل مسجد شده و نماز خواندیم و بعد از دعایی که سید خواند احساس انقلابی عجیب در خود نمودم که از وصف آن عاجزم. بعد از دعا، فرمودند: «سید تو گرسنه‌ای، چه خوب است شام بخوری». پس سفره‌ای را که زیر عبا داشت، بیرون آورد. مثل اینکه در آن سه قرص نان و دو یا سه خیار سبز تازه بود (آن وقت چله زمستان بود و من متوجه این معنا نشدم که این آقا این خیار تازه سبز را از کجا آورده است). طبق دستور آقا، شام خوردم. سپس فرمود: «بلند شو! تا به مسجد سهله برویم». وقتی داخل مسجد شدیم، آقا مشغول اعمال وارده در مقامات شد و من هم به متابعت آن حضرت انجام وظیفه می‌کردم و بدون اختیار نماز مغرب و عشا را به آن آقا اقتدا کردم.

بعد از آنکه اعمال تمام شد، آن بزرگوار فرمود: «ای سید! آیا مثل دیگران بعد از اعمال مسجد سهله به مسجد کوفه می‌روی یا در همین جا می‌مانی؟»، گفتم: «می‌مانم». وقتی در وسط مسجد، در مقام امام صادق علیه السلام نشستیم، به آن آقا گفتم: «آیا چای یا قهوه یا دخانیات میل دارید که آماده کنم؟»، در جواب، کلام جامعی را فرمود: «این امور از فضول زندگی است

و ما از این فضولات دوریم».

این کلام در اعماق وجودم اثر گذاشت؛ به نحوی که هرگاه یادم می‌آید، ارکان وجودم می‌لرزد.

به هر حال این نشست، نزدیک دو ساعت طول کشید و در این مدت مطالبی رد و بدل شد که به بعضی از آنها اشاره می‌کنم:

۱. در رابطه با استخاره سخن به میان آمد، آن آقا فرمود: «ای سید! با تسبیح به چه نحو استخاره می‌کنی؟»، گفتم: «سه مرتبه صلوات می‌فرستم و سه مرتبه می‌گویم: اَسْتَخِيرُ اللّٰهَ بِرَحْمَتِهِ خَيْرَةً فِي عَافِيَةٍ. پس مقداری از تسبیح را گرفته و می‌شمارم، اگر دو تا ماند، بد است و اگر یکی ماند، خوب است».

فرمود: «برای این گونه استخاره، باقیمانده‌ای است که به شما نرسیده و آن این است که هرگاه یکی باقی ماند، فوراً حکم به خوبی استخاره نکنید؛ بلکه توقف کنید و دوباره بر ترک عمل استخاره کنید. اگر زوج باقی ماند، کشف می‌شود که استخاره اول خوب است؛ اما اگر یکی باقی ماند، کشف می‌گردد که استخاره اول میانه است».

به حسب قواعد علمیّه می‌بایست دلیل بخواهم، اما به مجرد این قول، تسلیم شدم و در عین حال هنوز متوجه نیستم که این آقا کیست؟!

۲. از جمله مطالب در این جلسه، تأکید سید عرب بر

تلاوت این سوره‌ها بعد از نمازهای واجب بود:

بعد از نماز صبح سوره یس، بعد از نماز ظهر سوره نبا، بعد از نماز عصر سوره عصر، بعد از نماز مغرب سوره واقعه و بعد از نماز عشا سوره ملک.

۳. دیگر اینکه تأکید فرمودند: «دو رکعت نماز، بین نمازهای مغرب و عشا، که در رکعت اول بعد از حمد، هر سوره‌ای خواستی می‌خوانی و در رکعت دوم، بعد از حمد سوره واقعه را می‌خوانی».

۴. تأکید فرمودند که بعد از نمازهای پنج‌گانه، این دعا را بخوان: «اللَّهُمَّ سَرِّخْنِي عَنِ الْهُمُومِ وَالْغُمُومِ وَوَحْشَةِ الصَّدْرِ وَوَسْوَسَةِ الشَّيْطَانِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

۵. و تأکید فرمودند بر خواندن این دعا بعد از ذکر رکوع در نمازهای یومیّه، به‌ویژه رکعت آخر: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَرَحَّمْ عَلَيَّ عَجْزَنَا وَاغْتِنَا بِحَقِّهِمْ».

۶. در تعریف و تمجید از کتاب شرایع الاسلام مرحوم محقق حلی فرمودند: «تمام آن مطابق با واقع است؛ مگر کمی از مسائل آن».

۷. تأکید فرمودند بر خواندن قرآن و هدیه کردن ثواب آن، برای شیعیانی که وارث ندارند، یا دارند؛ ولی یادی از آنها نمی‌کنند.

۸. تأکید فرمودند بر اینکه تحت الحنک را از زیر حنک دور دادن و سر آن را در عمامه قرار دادن.

۹. تأکید فرمودند بر زیارت سید الشهداء علیه السلام.



۱۰. دعا کردند در حق من و فرمودند: «خداوند تو را از خدمتگزاران شرع قرار دهد».

۱۱. پرسیدم: «نمی‌دانم آیا عاقبت کارم خیر است و آیا من نزد صاحب شرع مقدّس، روسفیدم؟» فرمود: «عاقبت تو خیر و سعیت مشکور و روسفیدی».

و نیز پرسیدم: «نمی‌دانم آیا پدر و مادر و اساتید و ذوی‌الحقوق از من راضی هستند یا نه؟». فرمود: «تمام آنها از تو راضی‌اند و دربارها دعا می‌کنند».

استدعای دعا کردم برای خودم که موفق باشم برای تألیف و تصنیف، دعا فرمودند.

در اینجا مطالب دیگری است که مجال بیان آن نیست.

پس خواستم از مسجد به جهت حاجتی بیرون روم، آمدم نزدیک حوض که به ذهنم رسید: چه شبی بود و این سید عرب کیست که این همه با فضیلت است؟! شاید همان مقصود و معشوقم باشد. تا به ذهنم این معنا خطور کرد، با اضطراب برگشتم؛ ولی آن آقا را ندیدم و کسی هم در مسجد نبود.

یقین پیدا کردم که آقا امام زمان (عج) را زیارت کردم و غافل بودم. مشغول گریه شدم و همچون دیوانه تا صبح اطراف مسجد گردش می‌نمودم. چون عاشقی که بعد از وصال مبتلا به هجران شود.

تلخیص از کتاب: شیفتگان حضرت مهدی (عج)

اثر: احمد قاضی زاهدی

## آیت‌الله‌العظمیٰ مرعشی نجفی رحمته‌الله‌علیه و همای رحمت

آیت‌الله‌العظمیٰ مرعشی نجفی رحمته‌الله‌علیه بارها می‌فرمودند: شبی توسلی پیدا کردم تا یکی از اولیای خدا را در خواب ببینم. آن شب در عالم خواب، دیدم که در زاویهٔ مسجد کوفه نشسته‌ام و وجود مبارک مولا امیرالمؤمنین علیه‌السلام با جمعی حضور دارند. حضرت فرمودند: شاعران اهل بیت را بیاورید. دیدم چندتن از شاعران عرب را آوردند. فرمودند: شاعران فارسی زبان را نیز بیاورید؛ آن‌گاه محتشم و چند تن از شاعران فارسی زبان آمدند. فرمودند: شهریار ما کجاست؟ شهریار آمد. حضرت خطاب به شهریار فرمودند: شعرت را بخوان! شهریار این شعر را خواند:

علی ای همای رحمت تو چه آیتی خدا را  
که به ماسوا فکندی همه سایهٔ هما را  
دل اگر خداشناسی همه در رخ علی بین  
به علی شناختم من به خدا قسم خدا را  
به خدا که در دو عالم اثر از فنا نماند  
چو علی گرفته باشد سر چشمهٔ بقا را

مگر ای سحاب رحمت تو بیاری ار نه دوزخ  
 به شرار قهر سوزد همه جان ماسوا را  
 برو ای گدای مسکین در خانه علی زن  
 که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را  
 به جز از علی که گوید به پسر که قاتل من  
 چو اسیر توست اکنون به اسیر کن مدارا  
 به جز از علی که آرد پسری ابوالعجایب  
 که علم کند به عالم شهدای کربلا را  
 چو به دوست عهد بندد ز میان پاکبازان  
 چو علی که می‌تواند که به سر برد وفا را  
 نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت  
 متحیرم چه نامم شه ملک لافتی را  
 به دو چشم خونفشانم هله ای نسیم رحمت  
 که ز کوی او غباری به من آر توتیا را  
 به امید آن که شاید برسد به خاک پایت  
 چه پیامها سپردم همه سوز دل صبا را  
 چو تویی قضای گردان به دعای مستمندان  
 که ز جان ما بگردان ره آفت قضا را  
 چه زخم چو نای هر دم ز نوای شوق او دم  
 که لسان غیب خوشتر بنوازد این نوا را :  
 «همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی  
 به پیام آشنایی بنوازد آشنا را»

ز نوای مرغ یا حق بشنو که در دل شب  
 غم دل به دوست گفتن چه خوش است شهریارا  
 آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله فرمودند: وقتی شعر  
 شهریار تمام شد، از خواب بیدار شدم. چون من شهریار را  
 ندیده بودم، فردای آن روز پرسیدم که شهریارِ شاعر کیست؟  
 گفتند: شاعری است که در تبریز زندگی می کند. گفتم: از جانب  
 من او را دعوت کنید که به قم نزد من بیاید. چند روز بعد  
 شهریار آمد؛ دیدم همان کسی است که من او را در خواب در  
 حضور حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام دیده ام. از او پرسیدم: این شعر «علی  
 ای همای رحمت» را کی ساخته ای؟ شهریار با حالت تعجب از  
 من سؤال کرد که شما از کجا خبر دارید که من این شعر را  
 ساخته ام؟ چون من نه این شعر را به کسی داده ام و نه درباره  
 آن با کسی صحبت کرده ام.

مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی به شهریار  
 می فرمایند: چند شب قبل من خواب دیدم که در مسجد کوفه  
 هستم و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام تشریف دارند. حضرت،  
 شاعران اهل بیت را احضار فرمودند: ابتدا شاعران عرب  
 آمدند. سپس فرمودند: شاعران فارسی زبان را بگویید بیایند.  
 آنها نیز آمدند. بعد فرمودند: شهریار ما کجاست؟ شهریار را  
 بیاورید! و شما هم آمدید. آن گاه حضرت فرمودند: شهریار  
 شعرت را بخوان! و شما شعری که مطلع آن را به یاد دارم،  
 خواندید. شهریار فوق العاده منقلب می شود و می گوید: من

فلان شب این شعر را ساخته‌ام و همان‌طور که قبلاً عرض کردم، تاکنون کسی را در جریان سرودن این شعر قرار نداده‌ام. آیت‌الله‌العظمیٰ مرعشی نجفی رحمته‌الله‌علیه فرمودند: وقتی شهریار، تاریخ و ساعت سرودن شعر را گفت، معلوم شد مقارن ساعتی که شهریار آخرین مصرع شعر خود را تمام کرده، من آن خواب را دیده‌ام.

ایشان چندین بار به دنبال نقل این خواب فرمودند: یقیناً در سرودن این غزل، به شهریار الهام شده که توانسته است چنین غزلی با این مضامین عالی بسراید. البته خودش هم از فرزندان فاطمه زهرا علیها‌السلام است.

خوشا به حال شهریار که مورد توجه و عنایت جدش قرار گرفته است. بلی، این بزرگواران، خاندان کرم هستند و همه ما در ذیل عنایات آنان به سر می‌بریم.

## سفرشهای امام زمان (عج) در دیدار با حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله

آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله نقل می فرمودند:

در زیارت عسکرین علیهم السلام<sup>۱</sup> و در جاده منتهی به حرم سید محمد علیه السلام<sup>۲</sup>، راه گم کردم و در اثر تشنگی و گرسنگی زیاد و وزش باد، در قلب الاسد<sup>۳</sup> از زندگی مأیوس شده و غش کرده و بیهوش روی زمین افتادم. پس از مدتی ناگهان چشم باز کرده دیدم، سرم در دامن شخص بزرگواری است. ایشان به من آب خوش گوارایی داد که مانندش را در شیرینی و گوارایی در مدت عمر نچشیده بودم. وبعد از سیراب کردنم، سفره اش را باز کرد (در میان سفره دو یا سه عدد نان بود) که از آن نیز خوردم. سپس این شخص که به لباس اعراب بود، فرمود: «سید! در

---

۱. مرقد مطهر امامان همام حضرت امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام در سامرا (عراق).

۲. از فرزندان بلافصل امام هادی علیه السلام می باشند که به سال ۲۵۲ق رحلت فرموده اند. مرقد مطهر ایشان در هشت فرسنگی کاظمین، زیارتگاه شیعیان، به ویژه اعراب شیعی می باشد.

۳. گرم ترین روز سال و نیمه تابستان هر سال را «قلب الاسد» می گویند.

این نهر برو و بدن را شستشو نما».

گفتم: «برادر، اینجا نهری نیست! نزدیک بود از تشنگی بمیرم، شما مرا نجات دادید». آن مرد عرب فرمود: «این آب گواراست»؛ با گفته او نگاه کرده دیدم نهر آب باصفایی است. تعجب کرده و با خود گفتم: «این نهر نزدیک من بود، در حالی که می‌خواستم از تشنگی بمیرم؟!»؛

در ادامه فرمودند: «ای سید! قصد کجا داری؟»؛

گفتم: «حرم مطهر سید محمد علیه السلام»؛

فرمود: «این حرم سید محمد است». نگاه کرده دیدم، در زیر بقعه سید محمد علیه السلام قرار داریم و حال آنکه من در قادسیه گم شده بودم و مسافت زیادی بین آنجا و بقعه سید محمد علیه السلام است.

\* \* \*

از فوایدی که از مذاکره با آن عرب در این فرصت

نصیب شد، اینهاست:

- تأکید بر تلاوت قرآن شریف، و انکار شدید بر کسی که قائل به تحریف قرآن است.
- تأکید بر نهادن عقیقی که نامهای مقدسه چهارده معصوم علیهم السلام بر آن نقش بسته شده، در زیر زبان میت.
- تأکید بر احترام به پدر و مادر (زنده باشند یا مرده).
- تأکید بر زیارت بقاع مشرفه ائمه علیهم السلام و اولاد آنها و تعظیم و تکریمشان و زیارت صالحان و علما.
- تأکید بر احترام ذریه سادات.

و به من فرمودند: «قدر خود را به خاطر انتسابت به اهل بیت علیهم السلام بدان و شکر این نعمت را که موجب سعادت و افتخار زیاد است، به جای آور.»

- تأکید بر خواندن قرآن و نماز شب.
- و فرمودند: «ای سید! تأسف بر اهل علمی که عقیده شان انتساب به ماست، ولكن این اعمال را ادامه نمی دهند».
- تأکید بر تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام.
- تأکید بر زیارت سیدالشهدا علیه السلام (از دور و نزدیک).
- تأکید بر حفظ خطبه شقشقیه<sup>۱</sup> امیرالمؤمنین علیه السلام و خطبه علیامخدره زینب کبری علیها السلام در مجلس یزید.<sup>۲</sup>
- و ...



به هر حال به ذهنم خطور نکرد که این آقا کیست؟! مگر آنگاه که از نظرم غایب شد.<sup>۳</sup>

در پایان یادآور می شود، حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله، چند تشریف دیگر به محضر حضرت ولی عصر (عج) دارند که نقل آن در این مختصر میسر نمی باشد.

۱. نهج البلاغه، خطبه سوم.

۲. کتاب حضرت زینب کبری علیها السلام، تألیف شیخ جعفر نقدی، چاپ ششم، ۲۴۰/۲.

۳. تلخیص از کتاب شیفتگان حضرت مهدی (عج)، اثر احمد قاضی زاهدی گلپایگانی، جلد اول.



## مسجد مقدس جمکران

در کلام حضرت آیت الله العظمیٰ مرعشی نجفی رحمته الله

الف. تاریخچه مسجد مقدس جمکران

تاریخ پیدایی این مسجد شریف، به اوایل غیبت صغرای ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه - برمی گردد و در نوشته های قدیمی، به این سه نام مشهور است:

- «مسجد جمکران».
- «مسجد حسن بن مثله».
- «مسجد صاحب الزمان علیه السلام»

و هر کدام از این سه اسم به مناسبتی گفته شده است:

مسجد جمکران گفته شده؛ چون متصل است به قریه [روستای] جمکران که یکی از قُرای شهر مقدس و مذهبی قم است.

مسجد حسن بن مثله می گویند؛ نظر به اینکه در زمان وی و به همت او، این مسجد ساخته شده است.

مسجد صاحب الزمان علیه السلام می گویند؛ چون به امر حضرت

بنا شده و وجود مبارکش در این مسجد مکرر دیده شده است.

مرحوم شیخ بزرگوار، محدث عالی مقدار، حجت الاسلام صدوق کتابی دارند به اسم: مونس الحزین که حقیق آن نسخه را ندیده‌ام؛ ولی مرحوم آقای حاج میرزا حسین نوری، استاد حقیق، از آن کتاب نقل می‌فرماید که در آن به تفصیل قضیه «مسجد جمکران» و تاریخ حدوث آن نقل شده است.

این مسجد مقدس، چند مرتبه تعمیر و بنا شده است. بار اول در زمان «حسن بن مثله» بوده، بنای دوم آن در زمان «صدوق» بوده، بعد از او در زمان صفویه هم چند مرتبه تعمیر شده، در زمان ریاست مرحوم آیت‌الله حائری رحمته‌الله، مرحوم حجت الاسلام شیخ محمد تقی یزدی بافقی هم تعمیراتی کرده و بعد از او، آقای حاج محمد معروف به «آقازاده» که از تجار محترم قم هستند، هم تعمیراتی نموده‌اند.

این مسجد موقوفات و اراضی متعدده در اطرافش داشته که اکثر آنها از حال وقفیت بیرون رفته و ملک شخصی شده است.

راجع به این مسجد، تاریخچه‌های مختصری نوشته شده است؛ ولی چنان‌که باید و شاید در خصوصیات آن، کتابی نقل نشده است.

## ب. فضیلت مسجد مقدس جمکران

این مسجد شریف، مورد احترام همه شیعیان و مورد احترام علمای اعلام و محدثین کرام شیعه، از ابتدای غیبت بوده و کرامات متعددی از این مسجد دیده شده است که مرحوم شیخ محمدعلی کچوئی «قمی»، در کتاب تاریخ قم، در جلد اول و دوم به کراماتی که در این مسجد اتفاق افتاده و اشخاصی که در اینجا مشرف به محضر امام زمان علیه‌السلام شده‌اند، اشاره کرده است.

حقیر خود مکرر کراماتی را در اینجا مشاهده کرده و چهل شب چهارشنبه، موفق به بیتوته در این مسجد شده‌ام و جای تردید نیست که از امکنه‌ای است که مورد توجه و نزول برکات الهی می‌باشد و بعد از «مسجد سهله» - از مساجدی است که منتسب به وجود مبارک ولی عصر علیه‌السلام می‌باشد و شبهای چهارشنبه، اهالی نجف اشرف به آنجا مشرف می‌شوند - این بهترین مقام و جایی است که منتسب به وجود ولی عصر - ارواحنا فداه - می‌باشد.

باید توجه داشت اصل مسجد، مسجد کوچکی بود و [این بناها را] بعدها به آن افزوده‌اند.

با استدعای حقیر از بانیان خیر آن، قطعه‌ای که مسجد اصلی است، رنگ موزائیک‌هایش فرق گذاشته شد، تا اگر کسی خواست در مسجد اصلی نماز کند و عبادتی انجام دهد،

مشخص باشد و بتواند درک فیض کند.

خلاصه جای تردید نیست که این مسجد، مورد اهمیت و احترام شیعه بوده است.

نمازی هم برای این مسجد نقل شده که البته بهتر است، آن را به قصد رجاء به جا آورند.

التماس دعا

## نظر مبارک حضرت آیت‌الله‌العظمیٰ مرعشی نجفی رحمته در بارهٔ برگزاری مجالس سوگواری ابا عبدالله‌الحسین علیه

نهضت امام حسین علیه نهضتی است الهی و مسلمین، قیام بر علیه ظلم و استبداد را از آن حضرت فرا گرفته‌اند؛ لذا طبق مرسوم در زمانهای گذشته، تأسیس مجالس روضه‌خوانی و ذکر مصیبت‌های وارده بر اهل بیت عصمت و طهارت علیهم و سینه‌زدن و زنجیرزدن و امثال آنها به شرط اینکه مشتمل بر محرمات الهیه نباشد، هیچگونه اشکالی ندارد؛ بلکه در این عصر لازم و دارای اجر و ثواب زیادی است.

در خاتمه امیدوارم که پیروان آن حضرت، بیش از پیش در حفظ شعائر اسلام و ترویج مذهب تشیع و انعقاد مجالس سوگواری، سعی بلیغ داشته باشند.

والسلام علیکم ورحمة‌الله

۲۶ شهر ذی‌الحجه ۱۳۹۹

سید شهاب‌الدین الحسینی المرعشی النجفی

## نظر مبارک مرحوم حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله راجع به دعای ندبه

در دریای مشکلات روحی و جسمی، باید به ناخدایی مطمئن تمسک جست تا بتوان به اقیانوس بی کران الطاف الهی راه یافت.

آشناترین ناخدایان، ائمه معصومین علیهم السلام و مطمئن ترین راه، ابراز بندگی و اظهار ادعیه است.

دعای ندبه، از پر راز و رمزترین ادعیه‌ای است که بنده گناهکار خداوند را به ساحل آرامش الهی می‌رساند.

تمسک و توجه فرزند صالح ائمه معصومین - آیت الله العظمی مرعشی نجفی - به این دعا، خود نشان از ارزش والای آن دارد:

دعای ندبه از جمله ادعیه معتبره و از توسلات «عالیة المضامین» می‌باشد.

و آن را شیخ بزرگوار محمد بن مهدی در مزار و سید جلیل، ابن طاووس در مصباح الزائر و علامه مجلسی در بحار،

جلد ۲۲ و آقای حاج میرزا حسین نوری در تحية الزائر - قدس الله اسرارهم - نقل فرموده‌اند.

و مرحوم ابن مشهدی در دیباچهٔ کتاب خود می‌فرماید: «آنچه در این کتاب ذکر شده، توسط روایث ثقات به ائمه هدی علیهم‌السلام منتهی می‌شود».

و در جلالت هر یک از این بزرگان سابق الذکر به کتب تراجم و احوال مراجعه بفرمایید.

و خود حقیر آثار زیادی در مداومت به این دعای شریف در جمعه‌ها دیده‌ام و بحمدالله در اعصار متمادیه و امصار مدیده، همیشه فرقهٔ ناجیهٔ شیعه، به این توسل مواظبت داشته و دارند.

در خاتمه امید است از هیئتهای محترم شهرستانها و حضرات آقایان علمای اعلام و مبلغین والا مقام و خطبای کرام که در رأس هیئتهای مذهبی هستند، بیش از پیش مؤمنین را تشویق و ترغیب به این توسل معتبر با سوز و گداز که حافظ عقاید جوانها و مهذب اخلاق آنهاست، بفرمایند والسلام علی من اتبع الهدی.

شهاب الدین الحسینی المرعشی النجفی



## محل توزیع:

قم: خیابان آیت الله مرعشی نجفی رحمته

دفتر انتشارات کتابخانه بزرگ

حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته

تلفن: ۰۲۵۱-۷۷۴۱۹۷۰-۷۸

دورنگار: ۰۲۵۱-۷۷۴۳۶۳۷

[www.marashilibrary.com...](http://www.marashilibrary.com...) or net or org

E-mail; [sm-marashi@marashilibrary.org](mailto:sm-marashi@marashilibrary.org)